



«مدیرکل فرهنگ و ارشاد البرز» خبر داد؛
اجرای ۳۰۰ ویژه برنامه
فرهنگی هنری فجر در استان

روزنامه مستقل
دنیای هوادار
www.donyayehavadar.ir

شماره ۱۷۴۶ دوشنبه ۱۵ بهمن ماه ۱۴۰۳ قیمت: ۵۰۰۰ تومان

«معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی البرز»:

**سبد غذایی ۲۲۵ کودک
دارای سوء تغذیه شارژ شد**

شرایط نمایندگان ایران از لیگ برتر
تا مسابقات قاره‌ای زیر ذره‌بین «دنیای هوادار»؛

دوباره آسیا، دوباره هیجان

جانبازان، وارثان مشک عباس؛

**مردانی که هنوز
در میدان اند...**

«دنیای هوادار» از خطرات خشکیدگی
شدید عرصه‌های تالابی کشور می‌گوید؛

آینده بی‌تالاب ایران!

«حمیدرضا معدنکن» از رویکرد جسورانه‌اش در کارگردانی نمایش «مجلس سیاه و دختر سلطان» می‌گوید؛

نمایش ایرانی بدون

صحنه‌ای رئالیستی؟ چرا که نه!

یاد و خاطره شهید، به ویژه شهید سید حسین کاظمی سیانکی» که ۲۱ فروردین ۶۶ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



سرمقاله

جانبازان، وارثان مشك عباس؛

مردانی که هنوز در میدان اند...

مهرداد تیموری

دورانی را زندگی می‌کنیم که اسطوره‌ها رنگ باخته‌اند، واژه‌ها مصرف‌شده‌اند و مفاهیم بزرگی که زمانی هویت‌بخش و راهگشا بودند، در غوغای شعارهای توخالی و نمایش‌های مصنوعی، کم کم به حاشیه رفته‌اند. اما هنوز، در میان این گردوغبار، نام‌هایی هستند که فراتر از زمان و مکان می‌ایستند؛ نام‌هایی که هر بار شنیده می‌شوند، تکانی به قلب می‌دهند و ذهن را به حقیقتی عمیق‌تر می‌برند. یکی از این نام‌ها، ابوالفضل العباس است؛ مردی که مرز میان افسانه و واقعیت را شکست و تصویری از پهلوانی ارائه داد که هرگز در تاریخ کمربند نشد؛ اما چه شد که این نام تا این اندازه ماندگار شد؟ چرا عباس تاریخ، تنها یک فرمانده یا یک جنگجو نماند و بدل به الگویی شد که قرن‌ها بعد، جانبازان این سرزمین نیز با او هویت یافتند؟ عباس را تنها با شمشیر و میدان جنگ نمی‌توان شناخت. آنچه او را از دیگران متمایز کرد، نه قدرت بدنی، که قدرت روحی او بود. تاریخ، میدان‌های نبرد بسیاری را به خود دیده است؛ جنگاوران زیادی آمدند و رفتند، اما عباس کربلا ماند، چون مبارزه‌ی او فراتر از یک جنگ فیزیکی بود. او نماد ایستادگی بر سر اصول، فداکاری بی چشمداشت و عشق بی‌حد و حصر شد.

در سرزمین ما، جنگ نه فقط یک رخداد تاریخی، که زخمی بر پیکره‌ی نسل‌ها بوده است. و در این میان، جانبازان، مردانی که بخشی از خود را برای یک آرمان دادند، بی‌صدا اما استوار، نماد این زخم و در عین حال، نماد شکوه مقاومت شده‌اند. وقتی از جانبازان سخن می‌گوییم، از کسانی حرف می‌زنیم که روزی با بدن‌های سالم به میدان رفتند و با پیکره‌های زخمی اما دل‌های استوار بازگشتند. کسانی که نه فقط در میدان جنگ، که پس از آن نیز در برابر مشکلات، کمبودها و بی‌توجهی‌ها ایستادند. اگر عباس، مشك به دست، در کنار فرات ایستاد و از تشنگی دیگران تشنه‌تر شد، جانبازان این سرزمین نیز سال‌هاست که با زخم‌هایشان زندگی می‌کنند، اما کمتر از زنج خود سخن می‌گویند.

این شباهت، تصادفی نیست. عباس نه فقط الگوی جنگ، که الگوی پس از جنگ است. او به ما نشان داد که پهلوانی در میدان نبرد آغاز می‌شود، اما در میدان زندگی ادامه می‌یابد. امروز که این کلمات را می‌نویسیم، بسیاری از جانبازان این سرزمین، در سکوت و بی‌ادعایی زندگی می‌کنند. برخی از آن‌ها، سال‌ها بعد از پایان جنگ، هنوز هم درگیر عوارض جسمی و روحی‌اند، اما نه تریبون‌دارند و نه جایی در تیتراژ خبری. قهرمانان واقعی، معمولاً گمنام‌اند. آن‌ها نه دنبال امتیازند، نه دنبال جایگاه، و نه می‌خواهند کسی برایشان دست بزند. اما آیا ما، به‌عنوان یک جامعه، به اندازه‌ی کافی قدرشان را می‌دانیم؟ آیا این پهلوانان را، در شلوغی‌های روزمره، به دست فراموشی نسپردیم؟ روز جانبازان، یک یادآوری است؛ یادآوری برای ما که در جهانی پر از هیاهو، هنوز هم ارزش‌هایی وجود دارند که نباید فراموش شوند. روزگاری، در این سرزمین، پهلوانان فقط در میدان‌های نبرد نبودند. زورخانه‌ها، محله‌ها و زندگی روزمره، پر از مردانی بود که «پهلوانی» را نه فقط در زور بازو، که در معرفت، در حمایت از ضعيفان و در ایستادن بر سر قول و عهدشان می‌دیدند. امروز، شاید بیش از هر زمان دیگری، نیاز داریم که دوباره به این روحیه بازگردیم. پهلوانی، یعنی عباس. یعنی جانبازان که هنوز هم میان ما هستند، اما گاهی از کنارشان عبور می‌کنیم، بی‌آنکه بدانیم هرکدام، یک عباس خاموش‌اند. عباس، در روز عاشورا، تنها یک انتخاب نکرد. او، در لحظه‌لحظه‌ی زندگی‌اش، انتخاب کرد که چه کسی باشد. جانبازان نیز چنین‌اند؛ آن‌ها، نه فقط در روزهای جنگ، که در تمام سال‌های بعد، انتخاب کرده‌اند که چگونه زندگی کنند.

و ما؟ انتخاب ما چیست؟ آیا عباس را فقط در مدح‌ها و شعرها می‌خواهیم، یا در روح زندگی روزمره‌ی خود؟ آیا جانبازان را تنها در یک روز خاص به یاد می‌آوریم، یا ارزش‌هایی را که آن‌ها نمایندند؟ ما، در زندگی خود جاری می‌کنیم؟ عباس را فراموش نکنیم. جانبازان را فراموش نکنیم. پهلوانی را فراموش نکنیم. هنوز هم، در این عصر فراموشی، پهلوانی معنا دارد. اگر ما خواهیم.

هیأت حماس به ریاست «موسی ابومرزوق» به مسکو می‌رود

هیأتی از جنبش حماس به ریاست «موسی ابومرزوق» معاون رئیس دفتر سیاسی این جنبش به مسکو سفر می‌کند. خبرگزاری ریانووستی به نقل از یک منبع فلسطینی گزارش داد که هیأت حماس به ریاست موسی ابومرزوق فردا دوشنبه به مسکو سفر می‌کند. هدف از این سفر هیأت حماس به مسکو، گفت‌وگو با مسئولان وزارت خارجه روسیه عنوان شده است. آذماه گذشته نیز هیأتی از حماس به ریاست ابومرزوق در دوحه پایتختی قطر با «میخائیل بوگدانوف» معاون وزیر خارجه روسیه، دیدار و درباره تحولات فلسطین به ویژه اوضاع نوار غزه و جنایات بی‌وقفه رژیم صهیونیستی علیه ملت فلسطین گفت‌وگو کرد. سفر هیأت حماس به مسکو در حالی است که اجرای توافق آتش‌بس در غزه، ۱۹ ژانویه ۲۰۲۵ برابر با ۳۰ دی ماه ۱۴۰۳ آغاز شد و مرحله اول آن ۶ هفته به طول خواهد انجامید.



دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ شمارهگان ۱۷۴۶

دنیایک سوآدار

رویداد

نصف‌جهان

در نوزدهمین مجمع انتخاباتی هیأت‌های ورزشی؛

نویدنیایا بقاشد

اصغر قلندری

صدری خطاب به رؤسای هیأت‌های ورزشی استان، از جمله هیأت اسکواش، گفت: «برنامه‌های ورزشی و فرهنگی باید به‌صورت متوازن در سراسر استان اجرا شود تا شهرستان‌ها نیز بتوانند در عرصه فرهنگ و ورزش نقش پررنگ‌تری ایفا کنند». او همچنین بر اهمیت ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه اسکواش در استان اصفهان تأکید کرد و گفت: «با فراهم کردن امکانات لازم، این رشته ورزشی به‌طور قطع رشد خواهد کرد و هیأت اسکواش استان به اهداف خود دست خواهد یافت».

رئیس فدراسیون اسکواش: حضور سه کاندیدا نشانه پویایی اسکواش است

امیر عزیزی‌پور، رئیس فدراسیون اسکواش ایران، حضور سه نامزد در انتخابات را اتفاقی مثبت برای این رشته دانست و تأکید کرد: «این مسئله نشان‌دهنده پویایی اسکواش در استان اصفهان است. به نظر می‌رسد که ظرفیت مضاعفی برای توسعه این ورزش ایجاد شده و مخاطبان بیشتری به آن علاقه‌مند شده‌اند».

او با اشاره به لزوم بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای مختلف از جمله آموزش و پرورش، شهرداری، جهاد دانشگاهی، امور ورزش کارگری و بسیج ورزشکاران گفت: «نویدنیایا که به‌عنوان چهره‌ای تأثیرگذار در اسکواش انتخاب شده، باید از این ظرفیت‌ها به‌خوبی بهره‌برداری کند».

توسعه اسکواش و چشم‌انداز آینده

عزیزی‌پور با تأکید بر اهمیت تغییر نگرش در اسکواش ایران و نگاه ویژه کنفدراسیون آسیا و فدراسیون جهانی به این رشته تصریح کرد: «اسکواش به‌عنوان یک رشته المپیک، نیازمند آسیب‌شناسی دقیق است. باید بررسی کنیم که چه عواملی باعث شده‌اند این رشته هنوز جایگاه شایسته خود را پیدا نکند. آیا مشکل از زیرساخت‌هاست یا چالش‌های مدیریتی دیگری مطرح است؟ هرچه که هست، باید نگاه ما به آینده باشد و برای چهار سال آینده برنامه‌ریزی جدی داشته باشیم».

او همچنین بر ضرورت توجه به شهرستان‌ها در توسعه اسکواش تأکید کرد و با اشاره به تجربه موفق آران و بیدگل

نوزدهمین مجمع انتخاباتی هیأت‌های ورزشی استان اصفهان روز یکشنبه، ۱۴ بهمن ۱۴۰۳، در فرهنگسرای ورزش برگزار شد. در این مجمع، که با حضور امیر عزیزی‌پور (رئیس فدراسیون اسکواش ایران)، امیر کتابفروش (دبیرکل فدراسیون)، سیدمهدی صدی (سرپرست اداره کل ورزش و جوانان)، محسن تابش‌فر (سرپرست معاونت توسعه ورزش)، دکتر علیرضا کمالیان (سرپرست گروه قهرمانی اداره کل ورزش و جوانان) و سایر اعضای مجمع همراه بود، بهزاد نویدنیایا بار دیگر با کسب بیشترین رأی به‌عنوان رئیس هیأت اسکواش استان اصفهان انتخاب شد.

برای تصدی پست ریاست هیأت اسکواش، آرزو کلانتری، سیدمسعود میرسعیدی و بهزاد نویدنیایا ثبت‌نام کرده بودند. انتخابات با حضور این سه نامزد برگزار شد و از مجموع ۱۷ رأی مأخوذه، نویدنیایا با کسب ۱۱ رأی، بار دیگر به ریاست هیأت اسکواش رسید. آرزو کلانتری ۳ رأی و مسعود میرسعیدی ۲ رأی به دست آوردند و یک رأی نیز سفید بود.

در این انتخابات همچنین الهه مولادوست با کسب ۱۱ رأی به عنوان نایب‌رئیس، بهروز شرافت به عنوان خزانه‌دار، و وحید رجبی، انسیه فتایی و فاطمه شیرینی به عنوان اعضای هیأت رئیسه انتخاب شدند.

تمرکززدایی و توسعه اسکواش در شهرستان‌ها

در حاشیه این مجمع، سیدمهدی صدی ضمن تبریک ایام دهه فجر، بر ضرورت تمرکززدایی در اسکواش استان تأکید کرد و گفت: «بین رشته باید در شهرستان‌های استان فعال شود و ما نیز باید سیاست‌های خود را در راستای تمرکززدایی تنظیم کنیم. برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی ورزشی باید در شهرستان‌ها در اولویت قرار گیرد».

او همچنین با تبریک به بهزاد نویدنیایا، ابراز امیدواری کرد که با حضور دوباره او در رأس هیأت، شاهد موفقیت‌های بیشتر ورزشکاران اسکواش در سطح ملی و بین‌المللی باشیم.

«رئیس جمهور»: هدف کیفیت‌بخشی آموزشی، رفع تبعیض در آموزش است

پزشکیان در ادامه تحول در نظام مدیریت آموزش به عنوان یکی دیگر از ارکان مهم کیفیت‌بخشی آموزشی را مورد تأکید قرار داد و تصریح کرد: در این راستا باید ساختار و برنامه‌ای برای تحول در نگرش و بینش مدیران مدارس در همه استان‌ها و شهرستان‌ها ایجاد و تدوین شود و در این برنامه نیز حتماً از طرح و ایده مدیران و معلمان به عنوان صاحبان و مجریان فرآیند تحول استفاده شود. این ساختار و برنامه پس از ایجاد و تدوین، در ایام ماه مبارک رمضان که ماه تحول و خودسازی است و تحول در محیط کار نیز یکی از جلوه‌های آن است، به اجرا در خواهد آمد.

رئیس جمهور همچنین بررسی چگونگی استفاده از ظرفیت انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس در کیفیت‌بخشی آموزش را خواستار شد و اظهار داشت: مهم‌ترین مسئله برای ما در کیفیت‌بخشی به آموزش، ارائه خدمات آموزشی خوب و مطلوب به دانش‌آموزانی است که تا کنون از چنین خدماتی محروم بوده‌اند یا به آن‌ها کم‌توجهی شده است؛ ما می‌خواهیم تبعیض در آموزش را از بین ببریم و این هدف را نیز محقق خواهیم کرد.

آموزشی که شامگاه شنبه برگزار شد، یکی از مهمترین مولفه‌های ارتقای کیفیت آموزشی در مدارس را آموزش درست به معلمان مبتنی بر الگوهای رفتاری عنوان کرد و گفت: اگر معلمان ما درست آموزش ببینند و بتوانند با رفتار و عمل خود و نه صرفاً تدریس کتب درسی، صداقت، مسئولیت‌پذیری، کار تیمی، نقاد بودن و انتقاد پذیرفتن را به دانش‌آموزان یاد بدهند، گامی مهم در تحقق این هدف برداشته خواهد شد.

رئیس جمهور با تبریک اعیاد شعبانیه و فرارسیدن ایام پیروزی انقلاب اسلامی، به نگاه خاص و ویژه امام خمینی (ره) به نهاد مدرسه اشاره کرد و افزود: امام (ره) در وصیت‌نامه خود نسبت به طمع دشمنان به مدارس و دانش‌آموزان صریحاً هشدار داده‌اند و اگر ما در طول این سال‌ها به وصیت ایشان عمل می‌کردیم و نظام تعلیم و تربیت در کشور را جدی گرفته بودیم، جوانان و نوجوانان ما به جای پروراندن سودای مهاجرت در فکر و ذهن خود، ایفای نقش برای حل مشکلات کشورشان را به عنوان یک هدف دنبال می‌کردند. لذا گام مهم دیگر در ارتقای کیفیت آموزش تعریف فعالیت‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان و دغدغه‌مندی آن‌ها برای حل مشکلات مردم و کشور است.



رئیس جمهور با تأکید بر این که ما می‌خواهیم تبعیض در آموزش را از بین ببریم و این هدف را نیز محقق خواهیم کرد، گفت: مهم‌ترین مسئله برای ما در کیفیت‌بخشی به آموزش، ارائه خدمات آموزشی خوب و مطلوب به دانش‌آموزانی است که تا کنون از چنین خدماتی محروم بوده‌اند یا به آن‌ها کم‌توجهی شده است.

مسعود پزشکیان در جلسه کیفیت‌بخشی و ایجاد عدالت



تخصیص ۳۵۰ میلیارد تومان اعتبار برای پل‌های عابر پیاده کرج

«مریم قهرمانی صارم» - عضو شورای اسلامی شهر کرج - گفت: پس از پیگیری‌های متعدد و پیشنهادهایی که طی دو سال گذشته در زمان بررسی لایحه بودجه به سایر اعضای شورا به جهت احداث پل‌های عابر پیاده که یکی از نیازها و ضروریات معابر پر تردد بویژه در مقابل مراکز آموزشی ست، در صحن شورا اختصاص ۳۵۰ میلیارد تومان اعتبار جهت احداث پل‌های عابر پیاده توسط شهرداری مصوب شد. سرمایه‌گذار بخش خصوصی به جهت توجیه اقتصادی و بازگشت سرمایه قطعا در محل‌هایی به احداث پل عابر پیاده تمایل دارد که ظرفیت و پتانسیل بالایی جهت تبلیغات داشته باشد لذا بسیاری از معابری که نیاز مبرم به احداث پل‌های عابر پیاده دارند جذابیت تبلیغاتی چندانی برای سرمایه‌گذار ندارد از اینرو این ضرورت مغفول می‌ماند.

داستان جلد

«حمیدرضا معدنکن» از رویکرد جسورانه‌اش در کارگردانی نمایش «مجلس سیاه و دختر سلطان» می‌گوید؛

نمایش ایرانی بدون صحنه‌ای رئالیستی؟ چرا که نه!

مهدی صالحی

کرج، شبی از شب‌های زمستان. سالن اجرا حال و هوای خاصی دارد، جایی که ترکیبی از مخاطبان عام و علاقه‌مندان جدی تئاتر در انتظار پرده‌برداری از نمایشی هستند که پیش‌تر در قالب نمایش رادیویی اجرا شده و اکنون به صحنه آمده است. عنوان نمایش، «مجلس سیاه و دختر سلطان»، خود گویای تلفیق دو جهان متفاوت است: جهان نمایش‌های سنتی ایرانی و روایت‌های دراماتیک کلاسیک. از همان ابتدا، این نمایش توجه‌ها را به خود جلب کرده است، هم به دلیل داستانی که بر پایه‌ی نمایش‌های تخت‌حوضی شکل گرفته، هم به دلیل سبک اجرایی متفاوتی که کارگردان برای اجرای آن برگزیده است. در این گفت‌وگو، حمیدرضا معدنکن، کارگردان نمایش، از روند شکل‌گیری اثر، چالش‌های کارگردانی، انتخاب بازیگران و واکنش‌های مخاطبان به ما گفته است که خواندن آن خالی از لطف نخواهد بود:

از نمایش‌نامه رادیویی تا اجرای صحنه‌ای

این نمایش ابتدا در قالب نمایش رادیویی اجرا شد. چه چیزی باعث شد که تصمیم بگیرید آن را به صحنه بیاورید؟ حدود چهار سال پیش، «مجلس سیاه و دختر سلطان» را در قالب نمایش رادیویی به کارگردانی عبدالرضا یعقوبی اجرا کردیم. آن تجربه بسیار موفق بود و ما توانستیم نمایش را به صورت زنده در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اجرا کنیم. همان زمان، این نمایش‌نامه به دل من نشست، چون هم داستان جذابی داشت و هم از نظر ساختاری و دیالوگ‌نویسی متن بسیار قوی‌ای بود. این نمایش‌نامه یکی از آن متن‌هایی است که کارگردان را به چالش می‌کشد. شخصیت‌پردازی‌های دقیقی دارد، زبان دیالوگ‌هایش ریتم خاصی دارد و از همه مهم‌تر، قصه‌اش ظرفیت اجرایی بالایی دارد. اما می‌دانستم که باید منتظر موقعیتی مناسب برای اجرای آن باشم. امسال این موقعیت پیش آمد و خوشبختانه توانستم نمایش را روی صحنه ببرم.

رویکرد متفاوت در کارگردانی؛ از واقع‌گرایی تا فضای لامکان متن اصلی نمایش‌نامه به شیوه‌ای رئالیستی نوشته شده است، اما شما در کارگردانی شیوه‌ای متفاوت را انتخاب کرده‌اید. این تغییر چطور شکل گرفت؟

در متن اصلی، فضاهای نمایش به‌طور کامل رئالیستی بودند، یعنی داستان در مکان‌هایی مشخص و واقعی اتفاق می‌افتاد. اما من احساس کردم که این نمایش‌نامه ظرفیتی دارد که می‌توان آن را فراتر از یک روایت صرفاً رئالیستی برد. به همین دلیل، تصمیم گرفتم در کارگردانی به سمت فضایی انتزاعی و

نمادین حرکت کنم. به بیان دیگر، جهان این نمایش در اجرا لامکان است. ما فضاهای مشخص و مرزبندی‌شده‌ای نداریم، بلکه فضا از طریق نور، طراحی صحنه و حرکات بازیگران شکل می‌گیرد. من این ایده را از تعزیه وام گرفته‌ام، شیوه‌ای که در آن مکان‌ها به شکل نمادین ساخته می‌شوند و تخیل مخاطب را درگیر می‌کنند. از طرف دیگر، در این نمایش از عناصر شبیه‌خوانی هم استفاده کرده‌ام. شبیه‌خوانی به‌عنوان یک فرم اجرایی ایرانی، توانایی زیادی در انتقال احساسات و ایجاد فضای دراماتیک دارد. این تصمیم باعث شد که فرم اجرا کاملاً از شیوه‌ی کلاسیک روایت فاصله بگیرد و نمایش حالتی آیینی پیدا کند.

آیا این تغییرات در فرم اجرا باعث چالش‌هایی در تمرین و اجرای نمایش شد؟

بله، قطعاً. زمانی که شما از بازیگران می‌خواهید که در یک فضای انتزاعی و نمادین بازی کنند، بدون تکیه بر دکورهای رئالیستی، نیاز به تمرین‌های ویژه‌ای دارید. برای اینکه بازیگران بتوانند در چنین فضایی به شکلی باورپذیر بازی کنند، تمرکز ما در تمرین‌ها بر روی زبان بدن، میزانشن‌های دقیق و استفاده از صدا و ریتم در اجرا بود. این روش کار در ابتدا برای برخی بازیگران جدید چالش‌برانگیز بود، اما با تمرین و هماهنگی توانستیم به یک فرم اجرایی منسجم برسیم. انتخاب بازیگران؛ تلفیق تجربه و استعداد‌های نو

چطور بازیگران نمایش را انتخاب کردید؟ آیا معیار خاصی برای انتخاب آن‌ها داشتید؟

من همواره سعی می‌کنم بازیگران را براساس شناخت و توانایی‌هایشان در بازیگری انتخاب کنم. برای این نمایش، تصمیم گرفتم که از ترکیب بازیگران باتجربه و چهره‌های نو استفاده کنم. دلیل این انتخاب این بود که نوعی توازن و هارمونی میان نسل‌های مختلف بازیگری ایجاد شود. در این گروه، بازیگران قدیمی و حرفه‌ای در کنار بازیگران تازه‌کار کار می‌کنند، و این ترکیب باعث شده که یک انرژی خاص در گروه ایجاد شود. خوشبختانه، بعد از تمرین‌های فشرده، توانستیم به نقطه‌ای برسیم که همه بازیگران با هم هماهنگ شوند و نمایش به شکلی یکدست اجرا شود.

یکی از مشکلات اجرای تئاتر در شهرهایی مثل کرج، کمبود سالن‌های استاندارد و امکانات فنی است. این موضوع چقدر در اجرای شما تأثیر داشت؟

متأسفانه یکی از چالش‌های بزرگ اجرای تئاتر در کرج، همین مسئله است. سالن‌هایی که امکانات مناسب برای

اجرای حرفه‌ای داشته باشند، بسیار محدودند. از طرفی، اجرا در سالن‌های غیرمجهز می‌تواند کیفیت یک نمایش را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، ما تلاش کردیم که با طراحی مناسب صحنه و نورپردازی، محدودیت‌ها را به فرصتی برای خلاقیت تبدیل کنیم.

از نظر استقبال مخاطبان، واکنش‌ها چطور بوده است؟

خیلی متنوع. بعضی از تماشاگران که به سبک‌های سنتی نمایش ایرانی علاقه دارند، خیلی خوب با اجرا ارتباط برقرار کرده‌اند. بعضی دیگر که انتظار داشتند یک روایت کلاسیک و رئالیستی ببینند، در ابتدا غافلگیر شدند، اما بعد از اجرا نظر مثبتی داشتند. برای من، مهم‌ترین نکته این است که نمایش توانسته مخاطبان را درگیر کند و بحث‌هایی درباره فرم اجرایی و محتوای آن ایجاد کند.

اگر بخواهید در یک جمله، مخاطبان را به دیدن این نمایش دعوت کنید، چه می‌گویید؟

«مجلس سیاه و دختر سلطان» فقط یک داستان عاشقانه نیست، بلکه درباره‌ی عشق به تئاتر است، درباره‌ی هنرمندانی که در سخت‌ترین شرایط، عشق‌شان به نمایش را زنده نگه می‌دارند. این نمایش ترکیبی است از قصه‌گویی دراماتیک، فرم‌های سنتی نمایش ایرانی و اجرایی مدرن. من از همه دعوت می‌کنم که بیایند، نمایش را ببینند و بعد از اجرا نظراتشان را با ما به اشتراک بگذارند. تئاتر بدون مخاطب معنایی ندارد، و ما بیش از هر چیز، به تعامل با مخاطبان نیاز داریم.

القصة: «مجلس سیاه و دختر سلطان» نوشته عبدالرضا یعقوبی به کارگردانی حمیدرضا معدنکن، از شب گذشته اجراهایش را آغاز کرده است و تا ۲۸ بهمن‌ماه در سالن استاد فتحعلی بیگی تئاتر شهر کرج روی صحنه خواهد بود. نمایش با مدت زمان حدود ۹۰ دقیقه که در مرز میان واقعیت و خیال حرکت می‌کند. استفاده از عناصر نمایش‌های سنتی در کنار فرم اجرایی مدرن، این نمایش را به تجربه‌ای متفاوت تبدیل کرده است. چالش‌های تولید، از محدودیت‌های فنی تا پیچیدگی‌های کارگردانی، همگی در خدمت خلق نمایشی بوده‌اند که می‌خواهد روایتی تازه از تئاتر ایرانی ارائه دهد. نگارنده شخصاً توصیه می‌کند که اگر به تجربه تماشای تئاتری متفاوت علاقه‌مندید، این نمایش را از دست ندهید.

گفتنی است، حمیدرضا معدنکن، محمود حقیری، عبدالرضا یعقوبی، حسین معدن‌نشین، مهدی آذخ، دنیا نقیبه، محمد مهدی اسدی‌صفا و نسیم محمدی در این نمایش به ایفای نقش پرداخته‌اند.

گوشه‌وکنار

«مدیرکل فرهنگ و ارشاد البرز» خبر داد؛

اجرای ۳۰۰ ویژه‌برنامه فرهنگی هنری فجر در استان

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز اعلام کرد: ۳۰۰ ویژه برنامه فرهنگی هنری و رسانه ای فجر در قالب ۱۰۴ عنوان توسط دستگاه‌های فرهنگی زیر مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این استان به اجرا درآمده است.

«ابراهیم شریفی» روز گذشته در آیین رونمایی از پوستر جشنواره رسانه ای فجر البرز افزود: به همین دلیل تلاش شد سه کمیته مربوط به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی شامل کانون های مساجد، خانه مطبوعات و کمیته هنرمندان در حوزه فرهنگی فجر ۴۶ این استان نقش آفرینی کنند.

وی ادامه داد: در ایام الله دهه مبارک فجر امسال برنامه های متنوعی برای دستگاه‌های وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در البرز تعریف شده ضمن آنکه خبرنگاران و رسانه ها دارای وظایفی خاص هستند.

شریفی گفت: یکی از مهم‌ترین برنامه ها بحث اطلاع رسانی و تبیین فعالیت ها است که می بایست خوب پوشش داده شود.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز افزود: تبیین عملکرد دستگاه های اجرایی توسط رسانه های جمعی و خبرنگاران با توجه به پیشرفت ها ضروری است ضمن آنکه می تواند منجر به امید آفرینی شود.

وی با اشاره به اینکه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز برنامه های متنوعی دارد، گفت: با همراهی امور کتابخانه خانه ها و کانون های فرهنگی و هنری مساجد برنامه های فرهنگی هنری در شهرهای تابعه استان البرز از جمله

کمالشهر، محمدشهر و ماهدشت درحال اجرا است. رئیس خانه مطبوعات البرز در این نشست با اشاره به اینکه خانه مطبوعات مسئولیت کمیته ارتباطات و اطلاع رسانی دهه فجر استان را بر عهده دارد، گفت: بر همین موضوع اطلاع رسانی در بستر فضای مجازی و رسانه ای استان با جدیت دنبال می شود. وی افزود: به همین مناسبت برگزاری هشتمین جشنواره رسانه با موضوعات مختلف را داریم که

امیدواریم مانند سال های گذشته مشارکت بیشتری در این زمینه از سوی اصحاب رسانه استان شاهد باشیم. وفاق و اقتدار ملی، جوانی جمعیت و خانواده از مهم‌ترین موضوعات جشنواره رسانه ای فجر استان البرز است.

«معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی البرز»:

سبب غذایی ۲۲۵ کودک دارای سوء تغذیه شارژ شد

معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی البرز گفت: مرحله هفتم و هشتم خرید سبب غذایی برای ۲۲۵ کودک زیر ۵ سال دارای سوءتغذیه در استان در بستر کالابریگ الکترونیک شارژ شد.

به گزارش «دنیای هوادار» دکتر معصومه جودکی با اشاره به اجرایی شدن برنامه امنیت غذایی کودکان از ابتدای سال جاری گفت: این برنامه در شش مرحله اجرایی شده است و کلیه خانوارهای مشمول تا سقف مبلغ شارژ شده در حساب پارانه ای سرپرست خانوار می‌توانند از همه فروشگاه های طرف قرارداد طرح کالابریگ الکترونیک، از بین ۱۶ قلم مواد مورد تایید وزارت بهداشت خرید کنند.

دکتر جودکی تصریح کرد: اقلام سبب غذایی قابل خرید شامل شیر، ماست پاستوریزه، پنیر، گوشت گوساله، گوشت مرغ، تخم مرغ، برنج ایرانی، ماکارونی، روغن مایع، خرما، سیب، هویج، کدوسبز، گوجه فرنگی، پیاز، عدس و مغزدهانه است.

هدف از اجرای این برنامه کاهش سوءتغذیه (لاغری، کم‌وزنی و کوتاه‌قدی) کودکان و همچنین ارتقای امنیت غذایی در جامعه و افزایش سطح آگاهی و اصلاح نگرش مادران دارای کودک زیر ۵ سال است.

معاون بهداشت تأکید کرد: کودکان تحت پوشش این برنامه به صورت ویژه تحت مراقبت‌های تغذیه ای کارشناسان تغذیه قرار دارند و روند بهبودی آن‌ها کنترل می‌شود.



«احمد دلبری» -مشاور عالی سالمندان سازمان بهزیستی کشور- گفت: ۳۰ درصد ساکنان آسایشگاه‌ها را سالمندان سرراهی و مجهول الهویه تشکیل می‌دهند. چهار هزار نفر از سالمندان مجهول الهویه در آسایشگاه‌ها هستند که با توجه به آمار ۸۰ هزار نفری مجرد قطعی و آمار ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفری تاخیر در ازدواج، این رقم در آینده افزایش خواهد یافت. اکنون ۴۰ درصد ازدواج‌ها منجر به تک فرزندی هستند و اعلام شده است که در آینده یک زن و شوهر باید چهار سالمند را مدیریت کنند. با وجود تمام پیشرفت‌ها چون تا امروز درگیر توسعه‌یافتگی بودیم، حال و روز بدی در حوزه سالمندی خواهیم داشت.



«دنیای هوادار» از خطرات خشکیدگی شدید عرصه‌های تالابی کشور می‌گوید؛

آینده بی‌تالاب ایران!

کی‌میا عبداللّه پور



از انواع مختلف شور، شیرین، ساحلی و کوهستانی در کشور شناسایی شده است، بر این اساس یکی از قدیمی‌ترین معاهده‌های بین‌المللی در دنیا که مربوط به تالاب هاست در ایران شکل گرفته که به کنوانسیون رامسر معروف است، دوم فوریه سال ۱۹۷۱ برابر با ۱۳ بهمن ۱۳۴۹ در شهر رامسر در شمال ایران به امضا رسید و به نام این شهر در جهان معروف شد.

در واقع کنوانسیون رامسر و معاهده آن، ۱۵۸ کشور عضو را ملزم به تعیین و حفظ تالاب‌های با اهمیت بین‌المللی و تشویق به استفاده خردمندانه از آن‌ها می‌کند، این کنوانسیون بر حفاظت و بهره‌برداری معقول از تالاب‌ها به خصوص در راستای فراهم کردن زیستگاهی برای پرندگان آبی تأکید داشته که با گذشت سال‌ها، کنوانسیون گستره نگرش خود را چنان افزایش داده که تمام ابعاد حفاظت و بهره‌برداری معقول و پایدار از تالاب‌ها را در بر می‌گیرد، تالاب‌های طبیعی را در زمره اکوسیستم‌هایی می‌داند که در حفاظت از تنوع زیستی و رفاه جامعه بشری اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند.

از طرفی تأمین حقایق تالاب‌ها در ادامه حیات این اکوسیستم‌های آبی نقش اساسی دارد اما در کشور با کاهش بارندگی مواجه هستیم به طوری که بارش سال‌آبی امسال تاکنون حدود ۴۳ درصد کمتر از بارش نرمال بوده است، در واقع تمام آورد آبی کشور بیش از ۴۰۰ میلیارد متر مکعب بود که ۱۳۰ میلیارد آن را روان‌آب تشکیل می‌داد، اکنون وضعیت به گونه‌ای شده که این میزان به کمتر از ۳۸۰ میلیارد متر مکعب رسیده است. همچنین اکنون حدود ۱۵۰ میلیارد متر مکعب بدهی به آبخوارها داریم و سالانه سه تا چهار میلیارد متر مکعب به این عدد اضافه می‌شود. در این شرایط متأسفانه حقایق تالاب‌ها تأمین نمی‌شود این در حالیست که تالاب‌های زیادی در کشور برنامه حفاظت و مدیریت زیست‌بومی دارند که باید بر اساس آن میزان و نحوه تأمین حقایق مشخص و اجرایی شود اما وضعیت تالاب‌ها نشان می‌دهد که این روند به درستی اجرایی نمی‌شود و حقایق محیط زیستی در اولویت نیست.

بر این اساس با توجه به اهمیت موضوع دوم فوریه به عنوان روز جهانی حفاظت از تالاب‌ها نامگذاری شد و هر سال شعاری برای این روز تعیین می‌شود که شعار امسال «حفاظت از تالاب‌ها برای آینده مشترکمان» در نظر گرفته شده است.

متخصص مدیریت زیست‌بوم‌های تالابی با اشاره به شعار امسال روز جهانی تالاب‌ها با عنوان حفاظت از تالاب‌ها برای آینده مشترکمان گفت: نکته شعار امسال این است که آیا چیزی از عرصه‌های تالابی برای آیندگان باقی می‌ماند یا خیر؟ بر اساس اعلام سازمان حفاظت محیط زیست حدود ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار هکتار عرصه‌های تالابی کشور است، در این میان وسعت ۲۱ تالاب اصلی مانند دریاچه ارومیه، بخش ایرانی هورالعظیم، میانکاله، بختگان، طشت، انزلی، گاوخونی، جازموربان، یادگارلو، شادگان، بخش ایرانی هامون، پریشان، کافت، صالحیه، الله‌آباد، بلمک، قوری‌گل، میقان، شور، بیشه‌دالان و قره‌قشلاق بیش از ۲ میلیون هکتار است.

علی ارواحی افزود: اینها تالاب‌هایی هستند که به شدت در معرض تنش آبی، خشکیدگی‌های بعضاً طولانی مدت یا فصلی و کم‌آبی‌های شدید قرار دارند حالا اگر تالاب‌های کمتر شناخته شده را به اینها اضافه کنیم به وضوح می‌بینیم که حداقل دو سوم عرصه‌های تالابی کشور به شدت در معرض خشکیدگی قرار دارند و یا خشک شده‌اند.

ارواحی تأکید کرد: تنها معضل تالاب‌ها و عرصه‌های تالابی کشور بحث خشکیدگی نیست، مهم‌ترین آن بحث تأمین نشدن حقایق‌ها، ورود پساب‌ها و خشکیدگی‌ها است، اما ما همچنان شاهد این هستیم که پساب‌های صنعتی، شهری، روستایی،

آلاینده‌های نفتی وارد تالاب‌ها می‌شوند، تالاب‌های انزلی، صالحیه، زرپیار، شادگان، هورالعظیم و حرای میناب مصداق‌هایی هستند که از این موضوع رنج برده و می‌برند.

وی افزود: یا گونه‌های غیر بومی که بلای جان گونه‌های بومی گیاهی و آبی‌زی تالابی شده است، سنبل آبی در انزلی نه تنها مهار نشده بلکه در حال وارد شدن به تالاب عینک و حتی سرایت به آب‌بندان‌های مازندران است، یا ماهی تیلاپیا در شادگان یک معضل بود و به تدریج داریم می‌بینیم که ممکن است به هامون هم برسد البته اگر آبی در هامون باقی بماند یا وارد هورالعظیم می‌شود، ماهی کاراس نیز معضلی برای دریاچه نئور شده است. متخصص مدیریت زیست‌بوم‌های تالابی ادامه داد: از طرف دیگر بحث تغییر کاربری اراضی تالابی را در برخی تالاب‌ها مانند بیشه‌دالان، کمجان و بلمک داریم و در برخی تالاب‌های دیگر این مشکل از گذشته بوده و همچنان لاینحل باقی مانده است، در تالابی مانند انزلی این تغییر کاربری‌ها موضوعی جدی است که متأسفانه بیشتر از جنس پاک کردن مسئله با آن مواجه می‌شویم.

وی اظهار داشت: شکار بی‌رویه پرندگان هم معضل دیگر تالاب‌ها است که همچنان در تالاب‌های ساحلی شمال کشور اتفاق می‌افتد، صید غیراصولی آبی‌زیان به ویژه با برق که آسیب زیادی وارد می‌کند در تالاب شادگان و برخی تالاب‌های ساحلی همچنان ادامه دارد و بهره‌برداری بی‌رویه از ذخایر آبی هم آسیب زیادی به تالاب‌ها وارد می‌کند، مجموعه این موارد تصویر خوبی از تالاب‌ها و دریاچه‌ها به ما نمی‌دهد البته تلاش‌هایی شده اما وضعیت تالاب‌ها نشان می‌دهد که این تلاش‌ها چندان موثر نبوده است.

ارواحی گفت: علاوه بر این موارد مهم‌ترین مشکل تالاب‌ها بحث حقایق‌ها است، قطعا از هر مجرای که لازم است باید درباره تخصیص و تأمین حقایق‌ها کار شود، اینکه مطالعاتی درباره تأمین نیاز آبی تالاب‌ها اتفاق می‌افتد به تنهایی کافی نیست اینکه آیا مطالعات همزمان پروتکل‌های تخصیص حقایق‌ها را هم پیش‌بینی می‌کند یا خیر مهم است، در مطالعاتی که انجام می‌دهیم علاوه بر تأمین نیاز آبی یک تالاب باید شاهد این باشیم که آن گروه مشاور پروتکل‌هایی نیز برای تخصیص حقایق پیشنهاد بدهند، آنجاست که سازمان محیط زیست همزمان می‌تواند به استناد عدد تعیین شده و پروتکل‌های تخصیصی وارد گفت و گو و مذاکره با وزارت نیرو و جهاد کشاورزی و سایر بخش‌ها شود.

وی تأکید کرد: اما در این روند یک مشکل اساسی وجود دارد اینکه متأسفانه همچنان تالاب‌ها و دریاچه‌ها در اولویت نیستند و این را به وضوح می‌بینیم، مثلاً در بسیاری از حوضه‌های آبریز می‌بینیم که چندان به سهم محیط زیست یا نیاز آبی تالاب‌ها توجه نمی‌شود، در واقع در این زمینه یک مشکل زیربنایی داریم. وی درباره دلایل ناکامی برخی برنامه‌های مدیریتی تالاب‌ها گفت: مدیریت زیست‌بومی یک مجموعه اصولی را با خودش به همراه دارد مثلاً اولین اصل این رویکرد می‌گوید که بحث مدیریت تالاب باید تبدیل به یک انتخاب و خواست اجتماعی

شود اما اتفاقی که در عمل افتاده این است که آن بستر سازی مناسب، بسیج اجتماعی و حساس سازی به اندازه کافی اتفاق نیفتاده است، دوم اینکه به نظر می‌رسد تمرکز بیشتر روی کمیت این برنامه‌های مدیریتی بود تا کیفیت و اجرایی شدن آن، شاید بهتر بود به جای اینکه عجله می‌کردیم که تعداد این برنامه‌ها را بالا ببریم قدری روی کیفیت محتوا و اجرایی شدن آن متمرکز می‌شدیم.

متخصص مدیریت زیست‌بوم‌های تالابی افزود: یکی از اصول این رویکرد می‌گوید که تمرکز زدایی از سطح ملی باید به سطوح محلی اتفاق بیفتد اما در عمل تدوین این برنامه‌ها غالباً به شکل دستوری و تصمیمی از بالا گرفته شده است که برای اجرا به پیمانکار سپرده می‌شود، در واقع با مشارکت انتزاعی شاهد تدوین یک برنامه مدیریتی هستیم که در نهایت در خروجی می‌بینیم که در سطوح محلی مدام می‌گویند که مثلاً رئیس جمهور حمایت کند تا فلان تالاب احیا شود، در حالی که لازم است آن نهاد‌های محلی به اندازه کافی درگیر شوند و نسبت به موضوع احساس مالکیت کنند و آن برنامه را اجرا کنند.

وی اظهار داشت: مسئله بعدی نحوه تأمین اعتبار این برنامه‌هاست، در واقع اعتبار لازم برای اجرایی شدن آنها مبهم است اینکه چه میزان از اعتبار لازم برای اجرای این برنامه‌ها نیاز است و از کجا تأمین شود، این یکی دیگر از مشکلاتی است که این برنامه‌ها را با این بست مواجه کرده، مسئله بعدی این است که در ساختار اجرایی این برنامه‌ها دبیرخانه‌هایی پیش‌بینی شده این دبیرخانه‌ها پاشنه آشیل اجرای این برنامه‌ها هستند که متأسفانه به اندازه کافی توانمند و تقویت نشدن پس موضوعی که مهم است این است که برای اجرایی شدن این برنامه‌ها سرمایه‌گذاری بیشتری برای تقویت این دبیرخانه‌ها صورت گیرد.

وی اظهار داشت: شکار بی‌رویه پرندگان هم

معضل دیگر تالاب‌ها است که همچنان در تالاب

های ساحلی شمال کشور اتفاق می‌افتد، صید

غیراصولی آبی‌زیان به ویژه با برق که آسیب زیادی

وارد می‌کند در تالاب شادگان و برخی تالاب‌های

ساحلی همچنان ادامه دارد و بهره‌برداری بی

رویه از ذخایر آبی هم آسیب زیادی به تالاب‌ها

وارد می‌کند، مجموعه این موارد تصویر خوبی از

تالاب‌ها و دریاچه‌ها به ما نمی‌دهد البته تلاش

هایی شده اما وضعیت تالاب‌ها نشان می‌دهد که

این تلاش‌ها چندان موثر نبوده است.



بهرام رادان رسماً از داوری خارج شد

بهرام رادان به دلیل طولانی شدن مدت بازگشت از سفر با ارسال نامه‌ای از جمع اعضای هیات داوران جشنواره فیلم فجر چهل و سوم خارج شد. در متن نامه بهرام رادان آمده است: «حضور دبیر محترم و هیات محترم داوران جشنواره چهل و سوم فیلم فجر با تقدیم سلام، نظر به برگزاری این رویداد مهم سینمایی در ماه جاری و با توجه به اهمیت فوق‌العاده امر داوری فیلم‌های سینماگران و وظیفه خطیر قضاوت این آثار، در پی صحبت‌های قبلی با دبیر محترم جشنواره جناب آقای شاهسواری مقرر بود تا در کنار شما توفیق داوری این دوره را داشته باشم، ولی به دلیل طولانی شدن سفر و عدم اطمینان از تاریخ بازگشتم به وطن، لاجرم از حضور شما بزرگواران عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم این دوره از جشنواره فیلم فجر نویدبخش سالی پرپرا در سینمای ایران باشد. ارادتمند بهرام رادان.»

دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ شماره‌گان ۱۷۴۶

دنیایک سوآدار

فرهنگ

دست‌به‌نقد

نگاهی به فیلم «وایسین دوئل» ساخته ریدلی اسکات؛

دوئلی برای شرافت

امیدسلیمی



و مظلومیت و تنهایی مارگارت را برای مخاطب عینی‌سازی کرده تا تماماً شریک غم و اندوهش بوده و مردسالاری جامعه وقت را برای مخاطب ترسیم کند.

نکته دیگر هم آگاهی ما بر مسئولیت‌پذیری و پای‌کاربودن مارگارت است. چنانچه در غیاب همسرش رسیدگی به تمام امور را در دست گرفته و حتی با دل‌رحمی ذاتی‌اش از افراد فقیر، مالیات هم نمی‌گیرد، موجبات شدت مصیبت‌باربودن فجایع رفته بر او را فراهم می‌کند.

حال که شخصیت‌های اصلی را به مرور شناختیم و اصل ماجرا دستمان آمده، نوبت به فرجام کار و واپسین دوئل است. اسکات، دوئل را چشم‌نواز و بی‌نقص دویاز کرده است. از حضور نماهای لانگ گرفته که هم لوکیشن نبرد و جایگاه تماشاگران را تصویرسازی می‌کنند تا دوربینی که در حین دوئل به شخصیت‌ها نزدیک شده تا هم حس‌وحالشان در لحظه مورد نظر را داشته باشیم و هم خشونت و سنگینی نبرد را حس کنیم. با توجه به پیشینه شخصیت‌ها و خشم و حسادت و کینه طرفین، گویی سنگینی و سختی هر ضربه را بیشتر حس کرده و با هر عمل و عکس‌العمل ما هم به‌مانند خود آن‌ها، منتظر مرگ و ناکامی هستیم.

دوربین برای درگیری هرچه بیشتر مخاطب، گاه از پشت، سوژه‌های سوار بر اسب را تعقیب می‌کند، هیاهوی جمعیت و اسلوموشن (ها) نیز التهاب نبرد را تشدید می‌کنند. اما در نهایت، نکته ویژه دویاز این دوئل را در تدوین بخش انتهای‌اش می‌دانم. جایی که پس از کلوزآپ لگری غرق در خون (درحالی‌که شمشیر کاروژ در دهانش فرو رفته) به نمایی اکستریم کلوز از مارگارت کات زده می‌شود. همزمان با مرگ لگری ظالم و دروغگو، گویی مارگارت نفسی راحت کشیده و از شر، رهایی پیدا می‌کند. چرا که هم تهمت خیانت از دوش برداشته شده و هم از مجازات سوزانده‌شدن در امان بوده و می‌تواند سال‌های سال برای فرزندش (که در نهایت هم نمی‌دانیم فرزند کاروژ بوده یا لگری) مادری کند. مارگارت در انتها رستگار شده و حقانیتش به اثبات می‌رسد. حقانیتی که گویی می‌بایست با جاری‌شدن خون و تحمل انواع فشارهای روحی روانی بدان دست یافت.

سپرده‌شدن قطعه زمین بارزش (که منشا خشم کاروژ به او شده و همچنین فرماندهی قلعه‌ای که تا قبل، در اختیار پدر کاروژ بوده) نیز در این روایت با پرداخت آشکارتری همراه بوده تا هر پرسش و ابهامی که در روایت قبلی متوجه او بوده رفع‌ورجوع شود. گویی خشم و حسادت به‌عنوان ابزارهایی مخوف و دلهره‌آور از سمت کاروژ و لگری به‌نسبت دیگری در حال رشد بوده و همچون آتشی زیر خاکستر هر لحظه می‌تواند منجر به تقابلی فیزیکی و خونین شود. پیتر به‌عنوان لرد منطقه چنان لگری به وی پروبال می‌دهد و کاروژ را از خود دور می‌سازد (سرپیچی کاروژ در نبرد اولیه و شکایتش از پیتر بر سر قطعه زمین) که آشکارا کاروژ را در موضعی مستاصل و پریشان و آماده اقدامی خشونت‌آمیز قرار می‌دهد. در طرف مقابل، لگری را هم داریم، که اگرچه جایگاه و اعتبارش در مسیر صعودی است، اما چشم‌داشتش به مارگارت به‌عنوان زنی زیبا، ثروتمند و باسواد، خشم و کشمکش درونی را در وی ایجاد کرده که گویی تنها با تصاحب و تسلطش بر مارگارت، آرام می‌گیرد. اما بدون شک، مهم‌ترین نکته در این روایت همان قضیه تجاوز است. چرا که در روایت قبلی، تنها در دیالوگی کوتاه به این مهم اشاره‌شده بود و مای مخاطب، نمی‌توانستیم حقیقت یا دروغ‌بودنش را تشخیص دهیم. اما در این روایت با جزئیات بر حقیقت بودنش آگاه می‌شویم. لگری چنان غرق در خیال‌پردازی است که گمان می‌کند مارگارت هم به او تمایل داشته و در روزی که او در خانه تنهاست غافلگیرش کرده و به وی تجاوز می‌کند. پس از این واقعه دردناک، بعد دیگری از لگری هم آشکار می‌شود: او زمینه‌های مذهبی نیز داشته و پس از این عمل هولناک، نزد پدر روحانی رفته و بر گناهش (البته به‌شکل زنا و نه تجاوز!) اعتراف می‌کند، که میزان بالای تسلطش بر چگونه دروغ‌گفتن، ما را به ابعاد دیگری از شخصیت او آشنا می‌سازد. او، چه در گپ‌وگفت با پیتر و چه در حضورش در دادگاه، چنان دروغ می‌گوید و در پی کتمان حقیقت است که ما نیز به‌عنوان مخاطب فرایند تجاوز را نظاره‌گر بوده‌ایم، از این حجم اعتمادبه‌نفس و توانایی فریب‌دادنش شگفت زده می‌شویم.

با به اتمام‌رسیدن روایت دوم، عملاً فیلم‌نامه وارد فاز تازه و چالش‌جدی‌تری می‌شود. چرا که حالا می‌دانیم ادعای مارگارت درخصوص تجاوز، حقیقی و تمام ادعاهای لگری از اساس دروغ بوده‌اند. پرسش اینجاست که جدا از آن دوئل خونینی که در ابتدای کار هم با آن آشنا می‌شویم و قرار است جمع‌بندی نهایی داستان هم باشد، فیلم‌نامه در روایت سوم، چه ویژگی‌هایی داشته تا جذابیت و کشش لازم را در مخاطب حفظ کند؟

امتیاز روایت سوم را می‌بایست در پرداخت به شخصیت مارگارت و نمایش تنهایی او در مقاطع مختلف زندگی در نظر گرفت. از همان ابتدای بحث ازدواجش گرفته که او، میل کاروژ به ثروت خانوادگی و فرزندآوری را متوجه می‌شود و در جریان است که عشق و دل‌بستگی به خودش در اولویت این ماجرا نیست، تا نیش و کنایه‌های مادر کاروژ در رابطه با فرزندآوری و مراجعه انفرادی‌اش به دکتر زنان تا بحث تجاوز وحشیانه از سمت لگری و دوست صمیمی‌اش که در پذیرش، باور و هضم این ماجرای برایش دشوار است و گمان می‌کند که او نیز به لگری چشم داشته و در نهایت، مادر کاروژی که اعتقاد دارد بدلیل حفظ آبرو و ادامه حیات، می‌بایست در این موارد سکوت کرد؛ جملگی موضع ضعف

اینجا، ما با سلسله حوادثی طرفیم که با سببیتی همراه شده و آن‌ها را به سرعت و بدون وقفه به نظاره می‌نشینیم: از همان نبرد ابتدایی گرفته که در آن، غرور و تکبر و همچنین دل‌آوری و رشادت کاروژ به‌تصویر کشیده می‌شود (نبردی اگرچه کوتاه اما با دکوپاژی استاندارد که ابتدا با اکستریم لانگ‌شات، موقعیت دشمن را تصویرسازی می‌کند و در ادامه، دوربینش را به دل نبرد برده و با نماهایی بسته‌تر، اوج وحشی‌گری و التهاب حاکم بر نبرد را تصویرسازی می‌کند) تا وقایع پس از جنگ که در آن‌ها آشکارا به موقعیت و موضع ضعف کاروژ از حیث بی‌پولی و ورشکستگی نیازهای مادی‌اش پی می‌بریم تا قضیه ازدواجش با مارگارت (که باز هم اولویت مالی در آن دخیل است تا عشق و دل‌بستگی انسانی) و کشمکش‌های بعدی که بر سر یک قطعه زمین با ارزش با پیتر و لگری رخ می‌دهند و در نهایت، رسیدن به نقاط عطف روایت: اخراج از دربار و زندگی در حاشیه و در نهایت، مطرح‌شدن بحث تجاوز لگری به مارگارت.

روایت اول بصورت کلاسیک مجموعه وقایع را به‌شکلی علت‌ومعلولی پشت هم می‌چیند. طبیعتاً روایتی است با تمرکز بر کشمکش‌های بیرونی تا درونی. به‌شکلی که هر واقعه، از دل واقعه دیگر بیرون آمده و نکته آنجاست که در این روایت هم داستان پیش می‌رود و هم در درک بهتر مخاطب نسبت آگاهی و شناخت از ویژگی‌های شخصیتی کاروژ را مؤثر است. نکته اصلی این روایت را می‌بایست در همان نقطه عطف دوم (تجاوز لگری به مارگارت) در نظر گرفت. چرا که این قضیه، تنها رخداد این روایت است که کاروژ در آن حضور نداشته و به‌عنوان مخاطب از حقیقتی یا دروغ‌بودن آن آگاه نیستیم. کشمکش‌های قبلی میان کاروژ و لگری و خشم و کینه و حسادت که از سمت کاروژ به طرف مقابل وجود دارد، خود می‌توانند فرضیه دروغ‌بودن قضیه تجاوز را قوت ببخشند. چرا که ممکن است مارگارت به‌عنوان همسر کاروژ در نظر داشته باشد با مطرح‌نمودن چنین تهمتی از لگری انتقام گرفته و اعتبار و جایگاه رقیب همسرش را به‌خطر بیندازد. اعتباری که درست نقطه مقابل سقوط تدریجی کاروژ بوده و هرچقدر لگری پس از جنگ، اعتبار خود در دربار را افزایش داده، کاروژ از این مهم دور بوده و روزهای سختی را سپری می‌کند.

حال که شناخت چنان دقیقی از لگری نداریم و طبیعتاً نمی‌توانیم نیت و انگیزه‌های شخصی‌اش را هم بفهمیم و مهم‌تر از همه، تجاویز را هم از سمت او شاهد نبوده‌ایم و تنها در خلال دیالوگ‌هایی از زبان مارگارت، بر آن آگاه شده‌ایم، نوبت روایت دوم است که این ابهام‌ها را مرتفع سازد. امتیاز فیلم‌نامه در آنجاست که روایت‌های دوم و سوم چنان جزئیاتی را در اختیار مخاطب قرار می‌دهند که هم پازل شخصیت‌پردازی اثر تکمیل شده و رفع ابهام صورت می‌گیرد، و هم در نهایت می‌توان به قضاوت عاقلانه‌تری به نسبت میان آن‌ها دست یافت. چنانچه در روایت دوم که به لگری اختصاص دارد هم او را بیشتر می‌شناسیم و هم نظاره‌گر روابطش با پیتر و سایرین هستیم. از عیاشی و بی‌بندوباری در روابط گرفته تا آگاهی بر با سواداش و رسیدگی کردن به امور مالی دربار. از مشاوره دادن‌هایش به پیتر در مسائل مختلف تا برداشت اشتباهش از شخصیت مارگارت. برداشتی که موجب می‌شود لگری در سکاسی سوئزکتیو، عشقبازی خود با مارگارت را تجربه کند و نگاهی کاملاً شهوانی و وسوسه‌برانگیز به او داشته باشد.

«رایدلی اسکات» که در کارنامه هنری‌اش سابقه ساخت آثار ماندگاری همچون «بلیدرانر»، «بیگانه»، «گلادیاتور» «امپراتوری بهشت» و... را دارد، در تازه‌ترین اثرش «وایسین دوئل» ما را به قرن چهاردهم برده تا داستانی جذاب و پرکشش را با روایتی از سه‌زاویه دید شاهد باشیم. آشکارا مهم‌ترین چالش اثر را می‌بایست در همین بحث زوایای مختلف روایت دانست. موردی که اگر درست اجرا شود، می‌تواند مخاطب را تا به انتها همراه خود ساخته و کاری کند تا زمان طولانی نمایش اثر، او را آزار ندهد و در طرف مقابل، اگر دچار خطا شود، آنگاه عملاً می‌توان از آن به‌عنوان عنصری اضافی و حتی چشم‌اسفندپار اثر یاد کرد. واپسین دوئل خوشبختانه تا حد شایسته توجهی از پس انجام این ماموریت خطیر برآمده و نمره قابل‌قبولی در این آیتیم دریافت می‌کند.

از همان افتتاحیه اثر و به کمک تدوین موزی، آگاه می‌شویم که شخصیت‌های اصلی چه افرادی بوده و همچنین گره‌خوردن سرنوشت این شخصیت‌ها به یکدیگر را در می‌یابیم. «مارگارت»، زنی است که بر لباس سفید اولیه‌اش، لباسی سیاه به تن می‌کند تا بدانیم فیلم‌نامه، روزهای شوم و سیاهی را برایش در نظر گرفته است. «لگری و کاروژ» نیز به‌عنوان دیگر قطب‌های اصلی روایت، آماده رزم می‌شوند. حضور نماهای بسته از لباس و ابزارآلات جنگی به همراه نمایی که در آن شمشیر را در پیش‌زمینه و کاروژ را در پس‌زمینه داریم و فوکوس دوربین بر شمشیر، جملگی خبر از اثری ملتهب و خونین داده که در آن، هدف نهایی با نبرد و خشونت معنا می‌یابد.

طبیعتاً از این سه‌زاویه دید موجود در فیلم، هر روایت می‌بایست به نسبت دیگری دارای وجوه تمایزی بوده و جزئیات و اطلاعاتی را در اختیار مخاطب قرار دهد که مخاطب وجود هر سه را ضروری و دارای کارکرد منطقی بداند. در روایت اول، همراه «کاروژ» (مت دیمون) هستیم و روایت‌های دوم و سوم به‌ترتیب، مربوط به «لگری» (آدام درایور) و «مارگارت» (جویدی کومر) هستند. همانطور که می‌توان حدس زد در روایت اول تمرکز بر کاروژ بوده و دیگران حضوری کم‌رنگ داشته تا مخاطب را نسبت به انگیزه و اعمال آن‌ها، دچار ابهام و پرسش‌های بسیاری کند. در

اسکات، دوئل را چشم‌نواز و بی نقص دویاز کرده

است. از حضور نماهای لانگ گرفته که هم لوکیشن

نبرد و جایگاه تماشاگران را تصویرسازی می‌کنند تا

دوربینی که در حین دوئل به شخصیت‌ها نزدیک

شده تا هم حس و حالشان در لحظه مورد نظر را داشته

باشیم و هم خشونت و سنگینی نبرد را حس کنیم. با

توجه به پیشینه شخصیت‌ها و خشم و حسادت و کینه

طرفین، گویی سنگینی و سختی هر ضربه را بیشتر

حس کرده و با هر عمل و عکس‌العمل ما هم به‌مانند

خود آن‌ها، منتظر مرگ و ناکامی هستیم.

زیرساخت جدید توزیع سوخت

به بهره‌برداری می‌رسد

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران گفت: معماری جدید سامانه هوشمند سوخت با همکاری نظام بانکی و بقیه بازیگران این حوزه در حال تدوین است و انتظار می رود سال آینده به بهره‌برداری برسد.

محمدصادق عظیمی‌فر در حاشیه مراسم امضای تفاهمنامه همکاری در خصوص مدیریت هوشمند زنجیره تامین سوخت کشور در جمع خبرنگاران افزود: با وجود آنکه هنوز مصوبه انتقال سوخت به سیستم بانکی به ما ابلاغ نشده اما جلسه های متعددی با شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی در حال برگزاری است.

وی گفت: سالانه ۱۰۰ میلیارد لیتر انواع فرآورده نفتی با ارزش بالغ بر ۵۵ میلیارد دلار در سطح کشور توزیع می‌کنیم که امانت مردم است ما خود را در قبال تامین و توزیع فرآورده‌های نفتی مسئول می‌دانیم، زیرا متعلق به یکایک مردم است و باید به جای درست و به نحو درست به مصرف برسد.

وی افزود: در حوزه تولید در ایام پس از انقلاب دستاوردهای خوبی داشته‌ایم به طوری که تولید بنزین و نفتگاز نسبت به قبل از انقلاب چند برابر شده اما از آنجایی که نگاه غالب در تامین انرژی عرضه هرچه بیشتر فرآورده پیرانه‌ای بوده در بخش مصرف نتوانسته‌ایم آنگونه که باید اقدام های موثری انجام دهیم به همین دلیل است که شدت مصرف انرژی کشور ۲.۵ برابر میانگین مصرف جهانی است.

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی افزود: یکی از دلایل افزایش مصرف در بخش فرآورده‌های نفتی مایع موضوع قاچاق سوخت است که پدیده‌ای انکار ناپذیر است.

وی خاطرنشان کرد: دولت چهاردهم نسبت به موضوع قاچاق سوخت رویکرد فرار از مسئله و کتمان ندارد و نگاه رئیس‌جمهور و مجموعه وزارت نفت این است که در مقابل آن باید کنش‌گری فعالانه داشته باشیم.

عظیمی فر گفت: گرچه موضوع قاچاق برآمده از اختلاف قابل توجه و چند برابری قیمت سوخت در داخل کشور و کشورهای همسایگان است و به صفر رساندن آن امری محال است اما دنبال این هستیم که از حداکثر امکانات و ابزارها برای به حداقل رساندن آن استفاده کنیم.



تولید بنزین ۱۰ میلیون لیتر افزایش یافت

«محمدصادق عظیمی‌فر» مدیرعامل شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی- گفت: در دولت چهاردهم ۱۰ میلیون لیتر به تولید بنزین با کیفیت کشور اضافه شد، همچنین تولید نفت‌گاز نیز در آذر و دی ماه به ۱۲۴ میلیون لیتر رسید که ۱۳ میلیون لیتر رشد داشته است. بعد از انقلاب اسلامی تولید بنزین کشور ۶ تا ۷ برابر و تولید نفت‌گاز ۵ برابر شده است.

وی با بیان اینکه در حوزه تولید و توسعه ظرفیت پالایشگاهی توفیقات خوبی داشته‌ایم، گفت: به دلیل رشد مصرف پارادایم عرضه فرآورده پیرانه ای کماکان پارادایم غالب بوده است، همین موضوع باعث شده گرفتار ناترازی سوخت و انرژی باشیم و صنعت نفت تحت فشار قرار گرفته است.



دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ شماره‌گان ۱۷۴۶

دنیایکسوادار

رویداد

بورس

«دنیای هوادار»، از وضعیت صندوق‌های بورسی گزارش می‌دهد؛

عامل رشد بازار سرمایه یا محرک نقدینگی؟



تدريج آزاد شده و به سمت بازارهای موازی از جمله بورس و بازار سرمایه سرازیر شود؛ بخشی دیگر نیز جذب بازار سکه و طلا یا خودرو و مسکن خواهند شد.

مهرداد بائوج لاهوتی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در این خصوص معتقد است: کاهش نرخ سود سپرده، جذب منابع را در بورس افزایش می‌دهد و اعمال مدیریت صحیح باعث شده، شاهد جان گرفتن بازار سرمایه و بازگشت اعتماد مردم باشیم.

وی گفت: در صورت تداوم کاهش نرخ سود سپرده‌ها و گواهی‌های سپرده بانکی، شاهد افزایش انگیزه برای رشد تولید در کشور و جذب منابع به سمت بازار سرمایه خواهیم بود.

رشد نامتوازن صندوق‌های بورسی؛ عامل رشد پایه پولی و تورم برخی کارشناسان معتقدند از آنجایی که نرخ سود صندوق‌های ثابت و طلا بسیار بالا و ریسک آن‌ها بسیار پایین است، این دو نوع صندوق مقصد اصلی سرازیری ۲۸۰ همتی است که از اوراق گواهی یک ساله خارج خواهند شد. با این تفاوت که اوراق گواهی یک ساله بانک مرکزی به پروژه‌های عمرانی تزریق می‌شد که تورم‌زا نیستند ولی صندوق‌های ثابت ممکن است این نقدینگی را در بازار اوراق بهادار هدایت کنند که می‌تواند در رشد پایه پولی و حتی ایجاد تورم در یک فاصله زمانی میان مدت مؤثر باشد.

نگاهی به نقشه سوددهی ماهانه صندوق‌های سرمایه‌گذاری بورسی تا ۱۳ بهمن نیز نشان می‌دهد که مردم به این نوع سرمایه‌گذاری رغبت نشان داده اند و صندوق‌های با درآمد ثابت فاصله جعبی را در سوددهی با سایر صندوق‌ها دارند.

جایجایی بزرگ در صندوق‌ها بعید است

سامان منتظری کارشناس صندوق‌های بورسی درباره جایجایی نقدینگی بین بانک‌ها و صندوق‌های بورسی اظهار کرد: صندوق‌ها و مشتری‌های حقوقی بزرگ هم در حال حاضر با نرخ‌های بالا از بانک‌ها سود سپرده می‌گیرند؛ عمدتاً بانک‌های با تراز مثبت و با ارزش خالص دارایی (NAV) مناسب هستند که صندوق‌های درآمد ثابت، نقدینگی خود را در این بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌کنند.

وی افزود: از سال گذشته که اوراق گواهی یک ساله با نرخ ۳۰ درصد آغاز به کار کرد، سود سپرده‌های بانکی هم برای ارقام چند میلیاردی رشد بالایی داشت لذا بعید می‌دانم با اتمام فعالیت اوراق گواهی یک ساله بانک مرکزی، منابع مالی به بازارهای موازی بروند.

منتظری ادامه داد: بانک‌ها به مشتریان بزرگ مانند «صندوق‌های درآمد ثابت» نرخ‌های سود تا ۳۰ درصد به سپرده‌ها می‌دهند؛ بنابراین مشتریان خرد از صندوق‌های درآمد

برهان محمودی

در حالی که اوراق گواهی یک ساله بانک مرکزی به پایان عمر خود رسیده است، برخی روایت‌ها و پیش‌بینی‌ها از کوچ سرمایه ۲۸۰ همتی این اوراق به سمت صندوق‌های بورسی بخصوص صندوق‌های با درآمد ثابت حکایت دارد.

صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت یکی از روش‌های افزایش به کارگیری سرمایه‌های خرد و دارندگان نقدینگی‌هایی است که یک از سو تمایلی به حضور در بازار پر ریسک خرید و فروش سهام ندارند و از سوی دیگر نمی‌خواهند در بانک‌ها که با نرخ سود پایین‌تری نسبت به سایر بازارها، به مشتریان سود سپرده می‌دهند، سرمایه‌گذاری کنند.

این صندوق‌ها که از سازمان بورس و اوراق بهادار مجوز فعالیت دارند، ماهانه به سرمایه‌گذاران خود سود می‌دهند که اولاً ریسک ندارد و نرخ سود آن ثابت است حتی در زمان‌هایی که بازار سرمایه در دوران رکود و افت ارزش سهام باشد و دوم اینکه نرخ سود آن‌ها از سود سپرده‌های بانکی بیشتر است.

مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت، خود به طور معمول در بازار اوراق بهادار که تضمین اصل و سود آن‌ها قطعی است یا سهام شرکت‌های بورسی، اوراق گواهی‌های بانکی یا اوراق مشارکت یا ترکیبی از خرید سهام و اوراق بهادار یا حتی سپرده‌های بانکی سرمایه‌گذاری می‌کنند و از این محل سود سرمایه‌گذاران خرد را می‌پردازند.

در ماه‌های اخیر و به دنبال رشد سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و افزایش رشد بورس، صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت در کنار صندوق‌های طلا در بورس از بازدهی بالاتری (بازدهی ماهانه و نه سالانه) برخوردارند و سبب شده تا یکی از پرترفدارترین صندوق‌های بورسی شوند.

این امر شرایط را به گونه‌ای رقم زده که نرخ سود برخی از صندوق‌های ثابت به بالای ۳۰ درصد (بعضاً تا ۳۴ درصد) رسیده که از نرخ سود ۳۰ درصدی «گواهی سپرده یک ساله» که بهمن ماه سال گذشته در دولت سیزدهم راه‌اندازی شد، بالاتر است.

۲۸۰ همت پول سهم صندوق‌های بورسی است

یا بازارهای موازی؟

۱۱ بهمن ماه زمان اوراق گواهی سپرده با سود ۳۰ درصد سالیانه به اتمام رسید و با تمدید آن مخالفت شد مگر اینکه بانک پروژه خاصی را برای جذب منابع به بانک مرکزی ارائه دهد و مجوز جذب سپرده با نرخ بالاتر از نرخ سود شبکه بانکی بگیرد.

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد بخش از ۲۸۰ هزار میلیارد تومانی که اوراق گواهی یک ساله جذب شبکه بانکی کرد، به

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت دوم)

برابر رای شماره ۱۸۱۲/۰۹۰۰۳۳۱۰۰۳۶۰۱۴۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ و شماره ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان آقای اکبر تبریزی فرزند حسن به شماره شناسنامه ۲۵ و خانم اکرم بیوک آقائی سجاسی زنجانی فرزند علی اصغر به شماره شناسنامه ۴۵۹۹ هر یک نسبت به ۳ دانگ مشاع به صورت شش دانگ یک قطعه باغ با بنای احداثی به مساحت ۴۰۵ مترمربع مفروز از شش دانگ پلاک ۱۷۲ فرعی از ۲۶ اصلی واقع در قریه پل خواب خریداری از مالک رسمی طبق سند رسمی شماره ۳۳۲۶۹ مورخ ۱۳۴۸/۱۱/۲۸ دفترخانه ۱۹ شهری (توضیحا آقای اکبر تبریزی و خانم اکرم بیوک آقائی سجاسی زنجانی مالکین مشاعی میباشد) که مالکیت نامبردگان در صفحه ۱۷۹ دفتر ۴۵ ۱۷۹ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند. می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۸۷۵۰۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۸۱۲/۰۹۰۰۳۳۱۰۰۳۶۰۱۴۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ و شماره ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم پری شوق آق قلعه فرزند لطیف به شماره شناسنامه ۴۰۴۰ به صورت شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۹۶/۸۱ مترمربع مفروز از پلاک ۱۸۹۱ فرعی از ۱۶۲ اصلی واقع در کرج خریداری از مالک رسمی آقای علی نژاد فلاح به طور قولنامه ای که مالکیت نامبرده در صفحه ۵۰۹ دفتر ۱۱۶ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۸۷۵۰۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج



شادی پریدر رئیس فدراسیون شطرنج شد

شادی پریدر به مدت چهار سال به عنوان رئیس فدراسیون شطرنج انتخاب شد. مجمع انتخاباتی فدراسیون شطرنج در آکادمی ملی المپیک به ریاست محمدشروین اسبقیان برگزار شد و در پایان این مجمع، شادی پریدر با ۵۱ رای برای چهار سال به عنوان رئیس فدراسیون شطرنج انتخاب شد. تعداد اعضای مجمع ۶۰ نفر بود. کمال جوانمرد و نیکوکار با وجودی که برنامه‌های های خود را در زمان ۱۰ دقیقه اعلام کردند اما در پایان انصراف دادند که البته انصراف آن‌ها از سوی رئیس مجمع اسبقیان مورد قبول واقع نشد و اسم آن‌ها به عنوان کاندیدا در تابلو ثبت شد. جوانمرد مجمع را ترک کرد و نیکوکار نیز به جایگاه خود به عنوان رئیس هیات بازگشت.

ورزشی

دنیای هوادار

دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ شماره ۱۷۴۶

خارج از گود

شرایط نمایندگان ایران از لیگ برتر تا مسابقات قاره‌ای زیر ذره‌بین «دنیای هوادار»؛

دوباره آسیا، دوباره هیجان

حسن صنعایی پو

ژوزه مورینیو گفته است: «برای بهترین تیم شدن، باید از ذهن و بدنت استفاده کنی. به هم تیمی‌هایت اهمیت بدهی. قدم‌هایت را عاقلانه برداری و برنده بشوی. به یاد داشته باشی که فقط تیم‌ها موفق هستند». نمایندگان فوتبال ایران که به لحاظ پتانسیل موجود در فوتبال کشور در هر شرایطی توانایی‌های بسیاری داشته اما به لحاظ مدیریت در نازل‌ترین وضعیت به سر می‌برند، در روزهای آینده دیدارهای سرنوشت‌سازی را در پیش رو خواهند داشت. در این بین صرفاً باید به غیرت و توانایی بازیکنان برای خلق شگفتی و صعود امیدوار بود و برای آنان آرزوی موفقیت کرد. آنچه مسلم است اینکه ذهنیت بازیکنان ایرانی آنقدر قوی و آماده است که می‌توان عبور از مرحله گروهی و نیز حضور در مراحل بالاتر لیگ قهرمانان و نخبگان آسیا را از آن انتظار داشت. در ادامه نگاهی به شرایط سه نماینده ایران در لیگ فوتبال آسیا خواهیم انداخت:

پرسپولیس و دهان شیر

هرچند پرسپولیس فصل جاری نشان کمتری از پرسپولیس مقتدر فصول قبل دارد، اما این تیم همچنان منظم و هجومی بازی می‌کند. رتبه چهارم جدول لیگ برتر و ششم لیگ نخبگان نیز بیم و امید غربی را نزد هواداران پرسپولیس ایجاد کرده است. با این حال قرمزپوشان که حالا کارتال باتجربه را روی نیمکت خود می‌بینند، در دیدار با فولاد خوزستان با تغییرات اجباری حاضر شده و سعی کردند با ایجاد مالکیت بالا نبض بازی را در دست بگیرند. اما فولاد تیمی نبود که بی‌گدار به آب زده و مسلماً یحیی گل‌محمدی پرسپولیس را به خوبی آنالیز کرده بود. بازی فشرده دو تیم که از هجده قدم حریف آغاز می‌شد، اجازه مانور به مهاجمان را نداده و بازی با وجود اینکه از تحرک فوق‌العاده‌ای برخوردار بود اما موقعیت گلزنی چندانی نداشت. به هر تقدیر شاگردان کارتال یک امتیاز حساس اهواز را بدست آورده تا آماده دیداری بزرگ در لیگ نخبگان آسیا مقابل الهلال عربستان بشوند. دیداری که آن را باید برای قرمزپوشان ایران سر در دهان شیر گذاشتن تعبیر نماییم. آبی‌پوشان عربستان در چند فصل اخیر تیمی هجومی بود و تعداد شکست‌های آنان از انگلستان یک دست نیز تجاوز نکرده است. نکته دیگر درخصوص این دیدار مصدومان دو تیم بوده که شاید کیفیت بازی را پایین بیاورد و اینکه بازی در چمن با کیفیت ورزشگاه کینگدام آرنا نیز می‌تواند به بازیکنان تکنیکی پرسپولیس اجازه مانور

بیشتری بدهد. گفتنی است؛ کاروان پرسپولیس که برای بازی با فولاد خوزستان به اهواز رفته بود از طریق فرودگاه این شهر عازم عربستان شده و جلسه ریکاوری خود را در شهر ریاض انجام داده است.

استقلال امیدوار

برد نوبرانه شاگردان سهراب بختیاری زاده مقابل استقلال خوزستان که با دو پنالتی رامین رضاییان رقم خورد، تاحدودی اوضاع و احوال آبی‌پوشان تهران را بهبود بخشید. این تیم بسیار خوش‌شانس است که تقریباً بازی‌های دشوار خود را در لیگ نخبگان آسیا پشت سر گذاشته و فاصله امتیازاتش با حریفان نزدیک خود قابل جبران است. با این حال استقلال در بازی با هم‌نام خوزستانی خود چند تغییر در ترکیب و همچنین نحوه بازی خود ایجاد کرده بود. حضور محمدرضا آزادی و جوشل کوچو در خط حمله تحرک بیشتری به آنان بخشیده بود و بازی بی‌نقص مهران احمدی نیز این امیدواری را ایجاد کرد که استقلال در خط هافبک شرایط بهتری نسبت به گذشته پیدا کرده است. آبی‌پوشان ایران در هفته هفتم لیگ نخبگان در ورزشگاه آزادی به دیدار قرنشین جدول خواهند رفت. درخصوص این دیدار سه نکته ظریف قابل بررسی است: ابتدا اینکه الشرطه هرچند قرنشین است اما ناامید از صعود نیست. «شش امتیاز باقی مانده آنان را به مرز هشت امتیاز خواهد رساند». دوم اینکه این تیم همچون دیگر نمایندگان عراق فیزیکی و خشن بازی می‌کند. «موضوعی که باید مورد توجه سهراب بختیاری زاده قرار گرفته تا از مصدومیت‌های احتمالی که در فصل جاری بلای جان آبی‌پوشان شده است جلوگیری نماید». نکته سوم فرصت سوزی‌هایی است که استقلال‌ها در طول فصل بدان دچار شده و اگر در این بازی نتوانند قبل از دقیقه بیستم به گل برسند، ادامه بازی برای آنان سخت خواهد شد.

تراکتور در اندیشه صعود

تراکتور که درحال حاضر پرمهرترین و البته به لحاظ امکانات سخت افزاری و نرم‌افزاری، بهترین باشگاه ایران است، در مستطیل سبز با نوسانات زیادی ظاهر می‌شود. باخت هفته گذشته آنان مقابل پرسپولیس نیز اوضاع روحی و روانی آنان را برهم ریخته است. شاگردان اسکوچیچ که با چهار گل هوادار تهران را در هم شکسته و رتبه دوم خود را در جدول تثبیت نمودند، بیست و سوم بهمن ماه جاری باید در مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان آسیا به دیدار الخلدیه بحرین بروند. الخلدیه بحرین در سه بازی اخیر لیگ بحرین با نتایج



پر گل حریفان خود را شکست داده و در رتبه دوم جدول لیگ برتر بحرین ایستاده و با حضور کمیل حسن الاسود مهاجم خود خطرناک نشان داده است. نماینده بحرین در مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا نیز نمایش هجومی را از خود بجا گذاشته و حریفی سرسخت در دو دیدار رفت و برگشت برای تراکتور خواهد بود. اما تراکتور هرچند در آسان‌ترین گروه لیگ قهرمانان آسیا حضور داشت، اما با اقتدار صعود کرده و با توانی که از بازیکنان این تیم سراغ داریم امیدوار است به جمع چهار تیم برتر غرب آسیا صعود نماید.

سپاهان و پایان هفته هجدهم

طلایی‌پوشان که دیگر دغدغه لیگ قهرمانان آسیا را ندارند، تمرکز خود را به لیگ برتر و جام حذفی متوجه کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد این تیم دوست ندارد از فرصت طلایی بهمن ماه استفاده کند و فاصله امتیازات خود را با تیم‌های دوم تا چهارم جدول به حد اکثر برساند. شاگردان کاترون در تقابل با شمس آذر قزوین که بعد از ورود سیدمهدی رحمتی متحول شده است، بی‌انگیزه و بدون برنامه بازی کردند. دلایل این موضوع را باید در تغییرات این تیم در کادرفنی و بازیکنان جست‌وجو کرد. با این حال سپاهان به لطف همین یک امتیاز با سی و نه امتیاز در صدر جدول ایستاد و چشم به دیدارهای هفته‌های باقی مانده دارد. قدر مسلم اینکه دیدار این تیم با تراکتور در هفته بیست و یکم و پرسپولیس در هفته بیست و هفتم معادلات جدیدی در رده بندی جدول لیگ برتر برای مدعیان ایجاد خواهد کرد. از دیگر دیدارهای مهم هفته هجدهم باید به شکست ملول بندرانزلی مقابل چادرملو اردکان و پیروزی گل‌گهر سیرجان مقابل نساجی مازندران اشاره نمود.

مجوز بازی صادر شد؛ دورسون، اسلحه پنهان کارتال

پرسپولیس، آبی‌تی‌سی و کارت بازی سردار دورسون صادر شد. این بازیکن ترکیه‌ای که صبح امروز به جمع سرخپوشان ملحق شده است، برای بازی پیش رو در دسترس کادر فنی قرار دارد. باید ببینیم کارتال چند دقیقه ار دورسون استفاده می‌کند و با توجه به شرایط بازی، آیا او را به زمین می‌فرستند یا نه؟ او با تجربه‌ای که دارد، می‌تواند اسلحه پنهان کارتال در این دیدار حساس باشد. این دیدار در حالی سه‌شنبه شب به میزبانی الهلال و در ریاض برگزار می‌شود که صعود نماینده عربستان مشخص شده و پرسپولیس نیز برای حفظ شانس صعود، نیاز مبرمی به کسب امتیاز دارد.

آبی‌تی‌سی و مجوز بازی مهاجم جدید پرسپولیس صادر شد تا وی امکان همراهی سرخپوشان در لیگ نخبگان آسیا را داشته باشد. چند روز قبل بود که باشگاه پرسپولیس با نظر اسماعیل کارتال، سردار دورسون را جذب کرد؛ مهاجم اسبق فنرباغچه که امروز به اردوی پرسپولیس در عربستان ملحق شد. از دیروز بحث‌هایی درباره صدور مجوز برای حضور دورسون مقابل الهلال مطرح شد که این اتفاق رخ داده و مهاجم اهل ترکیه می‌تواند پرسپولیس را در این دیدار همراهی کند. بنا بر اعلام امیرعلی حسینی، مدیر امور بین‌الملل باشگاه



توپ‌وتور

کاسبی با پیراهن تیم ملی؛

اسپک برای یک مشت دلار

آرش عبدی

والیبال ایران سال‌هاست درگیر معضلی بزرگ شده است که باعث شده نتواند از همه ظرفیت خود استفاده کند. این معضل، بازیکن‌سالاری است و انتظار می‌رود پیاپی یکبار برای همیشه ریشه این معضل را در تیم ملی بخشکاند.

تیم ملی والیبال با حضور روبرتو پیاتزا دوران جدیدی را آغاز کرده است. مربی ایتالیایی که چهره سرشناسی در والیبال دنیا محسوب می‌شود کار سختی در ایران خواهد داشت؛ او تیمی را تحویل گرفته که با پانز عملکرد ضعیفی در دور گذشته لیگ ملت‌ها داشت. اینکه این مربی با چه تدبیری می‌تواند تیم ملی ایران را از این وضعیت خارج کند مشخص نیست؛ اما او می‌تواند با مرور اتفاقاتی که در دو سه سال گذشته در این تیم رخ داد مسیری را در پیش بگیرد که به موفقیت منتهی شود؛ مسیری که تنها بخشی از آن به مسائل فنی مربوط می‌شود و بخش اصلی آن، مدیریت تیم و به خصوص مقابله با بازیکن‌سالاری است.

پیاتزا در نشست خبری خود در واکنش به سوالاتی پیرامون وجود بازیکن‌سالاری در تیم ملی والیبال گفته بود: «بازیکن چه تصمیمی می‌تواند بگیرد؛ بهتر است از بازیکنان بپرسید. جوابی که می‌دهند متفاوت خواهد بود. بازیکن فقط باید بازی کند و تمام. کاری که مربی باید انجام دهد، حساس است. واکنش‌های من در کنار زمین را بازیکنان هم باید انجام دهند، چون زندگی با احساسات می‌گذرد. مهم این است که این مسیر به درستی هدایت شود».

در دوران بهروز عطایی تیم ملی والیبال با حواشی مختلفی روبرو بود و در این میان فدراسیون والیبال که باید نقش حامی سرمربی تیم ملی را بازی می‌کرد واکنش منفعلانه‌ای مقابل برخی مسائل که مهم‌ترین آن، رفتارهای خارج از چارچوب برخی ملی‌پوشان بود داشت. این رفتارها عمدتاً از جناب دو سه بازیکن بود که نمونه بارز آن، مصاحبه علیه کادرفنی تیم ملی بود. در چنین شرایطی به جهت اینکه فدراسیون والیبال تنها به دنبال نتیجه‌گرایی بود هیچ اقدام انضباطی علیه این بازیکنان خاخی انجام نداد.

همین بازیکن چند روز پیش در گفت‌وگویی که باز هم بوی تعیین تکلیف برای تیم ملی را می‌داد به مواردی اشاره کرد که می‌تواند پیاتزا را برای یک تصمیم مهم مصمم‌تر کند و این تصمیم کشیدن خط قرمز روی نام این بازیکن است. در این مصاحبه، تعریف و تمجیدهای بازیکن از خودش با واقعیت‌ها کیلومترها فاصله دارد؛ در حالی که وی در المپیک توکیو و چند دوره اخیر لیگ ملت‌ها یکی از ضعیف‌ترین بازیکنان تیم ملی بود مدام در خصوص عملکردش در تورنمنتی که ارزش چندانی در سطح جهان ندارد صحبت می‌کند.

بازیکن مورد نظر که در چند سال اخیر مدام از لیگ‌های خارجی دیپورت شده امسال عملکرد بهتری نسبت به گذشته داشته است؛ اما نگاه او به بازی‌های ملی که در مصاحبه اخیرش به وضوح می‌توان مشاهده کرد سمی بسیار خطرناک برای تیم ملی محسوب می‌شود. بدترین و شاید دردناک‌ترین بخش این صحبت‌ها مربوط به جایی است که وی از تیم ملی به عنوان محل درآمدزایی یاد می‌کند و بر این باور است که اگر به او پاس داده نشود تا امتیاز کسب کند قرارداد باشگاهی‌اش تحت تاثیر قرار می‌گردد و مبلغ دلاری آن کاهش پیدا می‌کند.

قطعا جای چنین بازیکنانی که همه چیز را در پول می‌بینند تیم ملی نیست. نکته امیدوارکننده این است که فدراسیون والیبال بر خلاف دوره‌های گذشته دست سرمربی تیم ملی را در انتخاب بازیکنان و حتی دستیارانش باز گذاشته است. پیاتزا تا حدود زیادی از این بازیکن شناخت دارد و اگر واقعا به دنبال این است که همچون ولاسکو میراتی ماندگار در والیبال ایران به جای بگذارد باید مقابل زیادخواهی‌های او و هر بازیکنی که پیش از فراتر از وظایفی که دارد می‌گذارد ایستادگی کند. آن چیزی که اهمیت دارد بحث منافع ملی است و فدراسیون والیبال نباید در این خصوص کوتاهی کند و مقابل هر آنچه این موضوع مهم را تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد بایستد. آن وقت است که پیاتزا با فراغ بال بیشتری به پیاده کردن تفکراتش در تیم ملی والیبال ایران خواهد پرداخت.



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهرداد تیموری

مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

صفحه آرا: امیر بیات

تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ چاپ: صمیم



«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

به جهت پوشش گسترده خبری رزمایش الی بیت المقدس؛

روابط عمومی سپاه امام حسن مجتبی (ع)، از اصحاب رسانه استان البرز قدردانی کرد



روابط عمومی سپاه امام حسن مجتبی (ع)، از اصحاب رسانه استان البرز، به جهت پوشش گسترده رزمایش الی بیت المقدس قدردانی کرد. به گزارش «دنیای هوادار»، سرهنگ پاسدار رمضانعلی چوبداری روابط عمومی سپاه امام حسن مجتبی (ع)، از اصحاب رسانه استان البرز، به جهت پوشش گسترده رزمایش الی بیت المقدس مدیریت بحران و حوادث غیرمترقبه قدردانی کرد. در متن این پیام آمده است: بسم الله الرحمن الرحیم اصحاب گرانقدر رسانه، خبرنگاران عزیز و همکاران ارجمند در صدا و سیما با سلام و تحیات وافره بدین وسیله از تلاش های بی وقفه و زحمات ارزشمند شما در پوشش گسترده خبری رزمایش بزرگ الی بیت المقدس مدیریت بحران و حوادث غیرمترقبه استان البرز صمیمانه تقدیر و تشکر می نمایم.

سرهنگ پاسدار رمضانعلی چوبداری

مسئول روابط عمومی سپاه امام حسن مجتبی علیه السلام استان البرز

